

بهانه خلقت



دکتر مهدی پوراحمدی خراسانی

تاریکی و ظلمت، شرک و کفر، جنگ و خونریزی، نابرابری و بی عدالتی، کینه و دشمنی و... همه جا را فرا گرفته است. ارزش های اخلاقی، حلقه مفقوده زندگی بشر است. دختران حق زندگی ندارند و باید زنده به گور شوند. ولی تعداد زیاد پسران نشانه خوبی برای هر خانواده است. با کوچک ترین سوء تفاهم، جنگ های خونین و بی پایان رخ می دهد. اشرافیکری تنها مالک شایستگی است. سیاه بوستان، برده هستند و نژاد بیست تر و بردگان از حداقل حقوق اجتماعی بی بهره اند. شکنجه ضعیفان، امری طبیعی است. این ها همه و همه تنها گوشه ای از ویژگی های دوره خاصی از تاریخ است؛ عصر جاهلیت، «محمد ص»؛ امین وحی، اشرف مخلوقات، خورشید هدایت و بنده برگزیده خداوند در زمان و مکانی از تاریخ که تاریکی و گمراهی همه جا را فرا گرفته است. از سوی «ارحم الراحمین» برای نجات بشر از آلودگی ها و گمراهی ها مبعوث می شود. طبق آیه شریفه قرآن، خداوند متعال بر انسان ها منت نهاده و رسولی را از بین خودشان به عنوان «رحمه للعالمین» برانگیخته است. این وجود نورانی و این کعبه آمال سجایای اخلاقی نه تنها برای مردمان عصر خود بلکه برای تمام دوران ها همچون خورشید فروزان، هدایتگر گرمابخش و شariat دهنده است؛ هم او که شدیدترین دافعه ها را در مقابله با کافران و غاصبان و ظالمان دارد و در بین مؤمنان و صالحان و مردمان، منشأ رحمت و الفت است. هر چند قرن ها از زمان بعثت پیامبر اعظم ص می گذرد، انسان ها روز به روز بیشتر و بیشتر به آموزه های معنوی او و کتابی که بر قلب مطهرش نازل شده است، احتیاج دارند. عالی ترین نمونه اخلاق و تربیت و والاترین الگوی کمالات انسانی برانگیخته می شود تا به مصداق آیه شریفه «و لکم فی رسول... اسوه حسنه» اسوه ای حسنه، نعمت آفرینش را کامل کند. امام علی ع در خطبه ۸۹ نهج البلاغه می فرماید: «خداوند او را در زمانی فرستاد که روزگاری بود پیامبری برانگیخته نشده بود و مردم در خوابی طولانی به سر می بردند و فتنه ها بالا گرفته و کارها پریشان شده بود و آتش جنگ ها شعله می کشید و دنیا بی فروغ و پر از مکر و فریب شده، برگ های درخت زندگی به زردی گراییده و از به بار نشستن آن قطع امید شده بود، وجود شریف نبی اسلام ص که بهانه خلقت است، فصل جدیدی در زندگی بشر به وجود آورده است. تعلیم وسیع و گسترده آن حضرت همچون خورشیدی در شب های تاریک و ظلمانی تابید و انسانیت را احیا کرد. در روزگاری که اشرافیکری و تجملات، ملاک ارزش انسان ها بود، زوائد معیشت را از زندگی خود حذف کرد و ساده و بی آلایش بود. در دوره ای که دختران زنده به گور می شدند، ایشان دختر اطهر خود را تکریم کرد و بر دستانش بوسه زد، برادری و برابری را جایگزین برده داری و نژاد پرستی کرد و خداپرستی و وحدانیت را جایگزین شرک و بت پرستی، قلب انسان ها را با نور خدا منور ساخت، جنگ های خونین و درازمدت را به مودت و دوستی مبدل کرد و در عصر بی سواد و جهالت، مردم را به کسب علم و دانش توصیه می کرد، «به دنبال کسب علم باشید حتی اگر در چین باشد»، پیامبر اسلام ص، برای همه عزیز و دوست داشتنی است و کماکان همچون خورشید تابان در آسمان انسانیت می درخشد. اینک در عصر فراصنعتی و در هزاره سوم که پیشرفت های درخورتوجهی در صنعت و فناوری پدید آمده است، نیز بشر در جاهلیت به سر می برد، «جاهلیت مضاعف»، جاهلیتی که به برکت (!) استعمار و استثمار اخلاقی و فرهنگی غرب به وجود آمده است؛ جاهلیتی که به واسطه زیاده خواهی و دنیاطلبی ایجاد شده است. امروز نیز ارزش های اخلاقی در جوامع مختلف، رنگ باخته است، پس پیامبر رحمت و مهربانی باید دوباره گوشه چشمی به انسان ها بیندازد و حیات بخش اخلاق و کمال باشد.

روایت

بارگاه امام رضا(ع)

چند روز بود که مدام بدبیباری می آورد. این را خودش نمی گفت، حتی نگهبان دم در اداره هم می گفت: «خانم محبتی! چند وقته خیلی بدبیباری میاری ها؟ از گریه سیاه های محله ام، بدشانس تر شده ای!». همان طور که سرش را تکان می داد، گفت: «احمد آقا! گریه های سیاه بدشانسی نمی آورند. اتفاقا من هروقت گریه سیاه می بینم، روز خوبی دارم. لطف و محبت به حیوانات برای آدم برکت میاره. با گریه ها خوب باش!». آنسانور کارمندها را سوار شد. به اتاقش رفت. با خودش گفت، «چند روز است گریه سیاه چشم طلایی توی کوچه را ندیده ام، نکند بلایی سرش آمده باشد!». خانم مدیر، پرینت حساب های هفته گذشته را روی میزش گذاشت و گفت: «محبتی! حواست این روزها پرت است. چند تا مورد را اصلاح کردم به جایت». خسته و ناراحت به خانه رسید. قبل از اینکه لباس هایش را عوض کند، بادش آمد از غذا های دیروز کمی مانده است. غذاها را تفکیک کرد و آنچه برای گریه ها مناسب بود، جدا کرد. برنج ها را هم در ظرف دیگری ریخت. اول به پشت بام رفت و برنج ها را برای پاکریه ها گذاشت و بعد پله ها را پایین آمد و به کوچه رفت. غذاها را در ظرف ریخت و کنار باغچه گذاشت. چند دقیقه ای ایستاد تا بلکه گریه سیاهه سروکله اش پیدا شود، ولی ندیدش. بالا رفت. مادرش چند روز در بیمارستان بستری بود. خودش می دانست نه بحث بدبیباری و گریه های سیاه مطرح است نه بحث نحسی و... موضوع فقط این بود که تنها دار و ندارش از این دنیا، مادرش، چند روز در بیمارستان بستری بود و همین مسئله، بی حواس و ناخوش احوالش کرده بود. کلید خانه در دستش، زیر ماشین های پارک شده را نگاه می کرد و به دنبال گریه سیاه کوچه بود. دلش نمی آمد به خانه ای برود که مادر در آن حضور نداشت. حسن آقا، بقال محل، او را دید و صدایش زد. به سمتش رفت و گفت: «سلام حسن آقا! چی شده؟». حسن آقا قبل از به دنیا آمدن زهرا، همین جا بقالی داشت. به ماشین ها اشاره کرد و گفت: «دنبال چی می گردی دختر زیتون خانم؟ مادرت حالش بهتر است؟» می خواستم بروم ملاقاتش بیمارستان، گفتمم بهرسم ببینم مرخص شده.

در جواب گفت: «مامان هنوز مرخص نشده. زحمتتون می شه، لازم نیست بیایید ملاقات. خدا رو شکر، ولی حالش تغییری نگرفته و هنوز سطح هوشیاری اش پایین به. حسن آقا باتأسف سری تکان داد و گفت: «امیدوارم امام رضا شفا بشه؛ ده؛ پشت و پناه ته توی این دنیا. خدا سایه شوا سر ت کم نکند! حالا جز توی خیابون سرگردونی بابا؟». زهرا گفت: «دنبال این گریه سیاهه می گردم. چند روزی که ندیدمش». حسن آقا گفت که او هم چند روزی است گریه را ندیده است. زهرا خدا حافظی کرد و به سمت خانه رفت. در ورودی را که باز کرد، ترنگس خانم، همسایه طبقه پایین، در خانه اش را باز کرد و با چادر رنگی اش به استقبالش آمد و گفت: «زهرا جان! چند بار در زدم، خانه نبود، برایت غذا درست کردم». زهرا با حالت امتناع گفت: «واقعاً اشتها ندارم ترنگس خانم! دستتان درد نکند، نمی توانم بخورم». ترنگس خانم دستش را گرفت و زهرا را با خود به داخل خانه اش برد و پشت میز غذا خوری آشپزخانه نشاندش و گفت: «بیا اصلاً باهم بخوریم. چند روز است غذای نمی خوری. من هم می نشینم کنار. نمی شود بروی، باید با هم غذا بخوریم». زهرا واقعاً خسته و ناتوان تر از مقابله بود. با اشک و بغض گفت: «ترنگس خانم! اگر مامان طوریش بشود، من چه کنم؟ حتی نمی توانم تنهایی توی خانه بمانم. خانه بدون مادر، خانه نیست».

ترنگس خانم بغلش کرد و گفت: «گریه نکن دختر! توکلت به خدا باشه. ما توی مشهد، امام رضا ع رو داریم. بیا غذا بخوریم و بریم حرم، دورکعت نماز به نیت شفا بخونیم. حاج آقای عسکری امروز این کاغذ رو بین نماز داد بهم و گفت یگم خودشم، رفته حرم، برای مادرت نماز بخونده». سبک شده بود. با گریه صورتش را اشست و با ترنگس خانم غذا می خوردند که صدای گریه را شنید. از ترنگس خانم پرسید: «صدای گریه است؟». ترنگس خانم خندید و گفت: «بله، گریه سیاه چند روزی است که توی گلخانه همسایه بغلی، زایمان کرده. منم دلیم سوخت. آوردمشون توی اتاق انباری، گفتمم با بچه هاش توی این سرما زمستون، آواره نیاشند». زهرا با شنیدن این خبر خوشحال شد و بعد از غدا به دیدن گریه هارت، امشب حالش بهتر بود. بعد از آن، کاغذ را برداشت و بالا رفت. کاغذ را که باز کرد، دید رویش نوشته است، «امام هادی ع! هر که از خداوند حاجتی داشت، غسل کند و به زیارت جدم رضا ع در توس برود و بالاسر آن حضرت دورکعت نماز بگزارد و در قنوتش، حاجت خود را از خداوند بخواهد. خداوند حاجتش را در صورتی که درخواست گناه یا بریدن پیوند خویشاوندی نباشد، برآورده خواهد ساخت» (عیون أخبار الرضا ع، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۲۳). در دلش نیت زیارت کرد و همان شبی که با ترنگس خانم به حرم رفتند، می دانست در دنیا بدبیباری وجود ندارد، هر چه هست، خواست خداست.



شهریار
شاهوارNEWS IR
۱۵ بهمن ۱۳۹۵
شماره ۲۳۵

۱۴



درباره طرح، دخترماه، که این روزها شور و شوق جالبی را در میان دختران تازه مکلف شده ایجاد کرده است

دختران ماه

زهرا رنگته! دختران نه ساله ما لایه لای زندگی نونهالی و پرشورشان پا به یک عرصه جدید می گذارند؛ عرصه فرصت ها و چالش ها. فرصت رسیدن به خود و خدای خود و چالش شناخت معنویت ها و معرفت ها و سیری کردن ۹ بهار از زندگی، آن ها را در موقعیت متفاوت امروز قرار داده است و به این معنی است که تکلیف هایی بر آن ها واجب شده است؛ تکلیف هایی که نشان از رشد دارد؛ رشد جسم و روح. دختران ما در این روزها با طرح، دختر ماه، همراه می شوند تا در این روزهای جدید تنها نباشند. دختران نه ساله جای جای این مرزوبوم در دریای بیکران الطاف الهی، زیر سایه رافت امام مهربانی ها این روزها را سیری خواهند کرد و طرح، دختر ماه، با پشتیبان های خبره، مشاور روزهای بلوغ است.

همراهی برای گذر از سن تکلیف

همه دختران زیبای این دیار به این میهمانی گسترده دعوت هستند. آن ها با پا گذاشتن به نه سالگی زیر سایه امام رضا ع به این طرح فراخوانده می شوند تا رشد معرفتی خود را در مرحله ای جدید از زندگی تجربه کنند. «دخترماه» یک رویداد ملی است؛ رویدادی مشابه یک اردوی مفرح و آموزنده که به همت مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی آستان قدس برپا می شود. این برنامه در سطح ۳۱ استان ایران پهنار و دایر است و همه دختران این سن، طعم مهربانی امام رضا ع را می چشند.

شناسایی دختران نه ساله، نخستین گام طرح «دختر ماه» است؛ طرحی که از سال ۱۳۹۸ آغاز شده است و تاکنون دختران زیادی دوره های آموزشی و تربیتی آن را گذرانده اند.

سن تکلیف یا بلوغ دینی، از آن ترکیب های آشنایی است که شاید برای نه سالگی خیلی غریب و ناشناخته باشد. در ادامه، ورود به این دوره نیز نیازمند شناخت است؛ شناختی که با همراهی مشاوران و همراهانی دلسوز به دست می آید. این بستری است که پشتیبان های طرح «دختر ماه» که مشاوران فردی و دینی توانمندی هستند، برای دختران حاضر در این تجربه، فراهم می کنند و تا گذار از این مرحله زندگی، با آن ها همراه هستند.



مشاوره به والدین

پشتیبان های این طرح برای تشریح مسائل با والدین نیز ارتباطی می گیرند تا به آن ها مشاوره لازم برای موضوع را بدهند. باتوجه به اینکه دختران در این سن، وارد مرحله جدید و چالش های تازه ای از زندگی می شوند، امیدواریم در باز زمانی ارتباط شش ماهه، بتوانیم وضعیت این حس و حال و فضا های ناشناخته آن را برای بچه ها تشریح کنیم تا دوره گذار را طی کنند. در این فرصت شش ماهه، کنشگری دختران بیشتری می شود و در نتیجه تلاش می شود معرفت افزایی به امام رضا ع با ارائه خدمات اجتماعی و معنوی افزایش یابد؛ البته این مشاوره ها فقط ویژه دختران نیست و مشاوران با والدین نیز در ارتباط هستند. باتوجه به حساسیت های این گروه سنی، چنانچه والدین با فرزندشان دچار چالش شوند یا برای موضوعی نیاز به راهنمایی داشته باشند، مشاوران طرح درکنارشان هستند.

با چادرهای گلدار در رواق حضرت زهرا ص

شور، هیجان و حال و هوای معنوی، ما حصل آغاز جشن تکلیف ۴ هزار دختر ماه ایرانی است. این برنامه هم زمان با ولادت حضرت علی ع و با حضور چهارصد دختر به نمایندگی از تمام دختران نه ساله کشورمان برگزار شد.

دخترانی که با چادر سفید گلدار زیبا، زینت بخش این برنامه بودند تا دورهم ورود به دنیای بزرگ تر شدن و درگیر شدن با هوای معنوی دین و آیین را جشن بگیرند. رواق حضرت زهرا ص، مکانی است که برای این برنامه بزرگ انتخاب شده است و این دختران اولین نماز جماعت را اینجا می خوانند. لایه لای شور بچگی، آداب اولیه ورود به سن تکلیف را مرور می کنند تا دین و تکالیفی را که بر آن ها واجب می شود، بهتر بشناسند.

مدیر مرکز بانوان و امور خانواده بنیاد کرامت رضوی، فاطمه دزبدر، اعلام کرد: توزیع ۴۰ هزار هدیه در منازل دختران با حضور خادمایان حرم رضوی انجام و بعد از آن از طریق پشتیبان ها ارتباط مداوم به مدت شش ماه برقرار خواهد شد.



جشن تکلیف دختر ماه

همراهی «دختر ماه» با دختران ما، از به صد درآمدن یک رنگ یا تق تق در خانه آغاز می شود. جشن تکلیف هر دختری در این طرح در مقابل خانه اش و با اهدای بسته ویژه جشن تشریف به سن بلوغ، برپا می شود. خادم یاران رضوی با هماهنگی دبیرخانه خدمت رضوی در نقاط مختلف کشور، این بسته را با حال و هوایی معنوی به دست دختران مکلف می رسانند و این هدیه امام رضایی را به آن ها تقدیم می کنند.

چادر، کیف، جانماز، سجاده، کتاب، بسته متبرک، کارت تبریک و پیام تبریک تولید آستان قدس رضوی همراه با اقلامی مانند بادکنک و... در این بسته های جشن تکلیف جای می گیرد و بعد از تحویل آن، دختران و والدین تصمیم می گیرند جشن تکلیف خود را با این اقلام به صورت انفرادی یا همراه دوستانشان برگزار کنند.

بعد از جشن تکلیف دختران نه ساله، پشتیبان معنوی، همراهی خود را آغاز می کند. پشتیبانی که تا شش ماه درکنار «دختر ماه» است و در زمینه های عبادی و اجتماعی به آن ها مشاوره می دهد. این همراهی علاوه بر شکل حضوری و تلفنی، در فضای مجازی نیز دنبال می شود تا فرد در تمام زمان ها و مکان ها با مشاور و پشتیبان خود در ارتباط باشد.



شوق زیارت در سن تکلیف

مشاوره در زمینه آموزش های دینی، تنها کار معرفتی طرح «دختر ماه» نیست، بلکه در این دوره، برنامه های تربیتی معرفتی با محوریت حضرت علی بن موسی الرضا ع برای دختران برگزار می شود. پیوند قلبی میان دخترانی که در آغاز یک راه متفاوت هستند و امام رتوفمان، ابتکاری ازسوی مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی است؛ اقدامی مثبت که می تواند ذهنیت دختران را درباره مضجع نورانی امام هشتم ع شکل دهد و در شناخت این امام همام و سیره شان به منظور شکل گیری و هدف گذاری زندگی این دختران مؤثر باشد.

اقدامی که فقط خاص دختران مشهدی نیست و با هماهنگی دفاتر بنیاد کرامت رضوی در مراکز استان های دیگر نیز محقق می شود. شوق زیارت در حرم و لبخندی که روی لب دختران زیبای این مرزوبوم می نشیند، زمینه رشد معرفتی در ذات آن ها را فراهم می کند و ادامه دار بودن این ارتباط بر محکم شدن این ریسمان پیوند می افزاید.

می خواهیم از حالا چادر ببوشم

نگار ۱۲ آذر به سن تکلیف رسیده است و اکنون در یکی از جشن های بلوغ مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی حاضر است.

نگار خان زاده لایه لای شیطنت ها بازی و بادوستانش، از نماز و اینکه این فریضه را درست ادراک کرده است بانه، می گوید: درباره رنگ چادرها با هم سن هایش صحبت می کند و خوشحال است که بزرگ تر شده است.

تعریف می کند که از پنج سالگی با دیدن نماز خواندن پدر و مادر، کارهای آن ها را تقلید می کرده است. او حالا با قدم گذاشتن در نه سالگی، جانماز خودش را دارد و آن را برای نماز پهن می کند. از حال و هوایش اگر بخواهیم بدانیم، همین یک جمله کافی است: «خوشحالم که می توانم وضو بگیرم و نماز بخوانم. می خوام از الان به بعد، حجابم هم مانند مادرم و خواهرم باشد و چادر ببوشم».